

خانواده دانش آموزان با نیازهای ویژه

همکاری در گستره سن مدرسه

تألیف

دکتر ویکی مک‌گینلی

ملینا الکساندر

ترجمه

دکتر قربان همتی علمدارلو

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

استاد دانشگاه شیراز

دکتر فاطمه ترابی

عضو هیئت علمی مدرسین دانشگاه فرهنگیان

و مؤسسه غیرانتفاعی زند

منیره مروت

دانشجوی دکترای روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

SAGE

(با مجوز رسمی ترجمه)



کتاب ارجمند

فهرست

سیستم‌های خارجی.....	۵۷	سخن مترجمان.....	۹
هماهنگی مراقبت.....	۵۷	پیشگفتار نویسنده.....	۱۱
روابط والدین.....	۵۸	سیاسگزاری.....	۱۳
فرهنگ، نژاد و قومیت.....	۵۹	درباره نویسندگان.....	۱۵
توجه به کودکان پرورشگاهی.....	۶۰	درباره سرپرستان مجموعه.....	۲۱
فصل ۳: خانواده کودکان در مخاطره کم‌توانی.....	۶۳	بخش اول: مبانی، تعریف و سنجش / ۲۳	
چرا باید مخاطره را مطالعه کرد؟.....	۶۴	فصل ۱: تعریف خانواده.....	۲۵
فواید شناسایی مخاطره.....	۶۵	نقش خانواده در آموزش کودک.....	۲۸
تعریف در مخاطره.....	۶۸	شناسایی و تعریف کودکان و خانواده.....	۲۹
طبقه‌بندی عوامل مخاطره‌ساز.....	۶۹	شرایط زندگی در دوران کودکی.....	۳۰
کودکان فقیر.....	۷۷	انواع خانواده.....	۳۲
فراگیران غیرانگلیسی‌زبان.....	۸۰	شرایط منحصربه‌فرد خانوادگی که می‌تواند آموزش را تحت	
دانش‌آموزان منزوی.....	۸۲	تأثیر قرار دهد.....	۳۹
کودکان تیزهوش.....	۸۷	آموزش همه کودکان.....	۴۵
پیگیری رشدی.....	۸۹	فصل ۲: نظریه سیستم‌های خانواده.....	۴۸
فصل ۴: قوانینی که از خانواده‌ها حمایت می‌کند.....	۹۲	نظریه سیستم‌های خانواده چیست؟.....	۴۹
مقدمه.....	۹۳	هویت خانواده.....	۴۹
تاریخچه.....	۹۴	خرده‌سیستم‌های خانواده.....	۵۰
قانون آموزش افراد مبتلا به کم‌توانی.....	۹۵	مرزها.....	۵۱
مفاد قانونی.....	۱۰۱	تعامل.....	۵۲
بند ۵۰۴.....	۱۰۹	سازش‌یافتگی / انعطاف‌پذیری.....	۵۳
اصلاحیه قانون آمریکایی‌های مبتلا به کم‌توانی.....	۱۱۲	جو خانوادگی.....	۵۳
قانون آموزش ابتدایی و متوسطه.....	۱۱۳	چرخه زندگی خانوادگی.....	۵۴
قانون حقوق آموزشی و حریم خصوصی خانواده مصوب		عواملی که سیستم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.....	۵۶
۱۹۴۷.....	۱۱۴		

تأثیرات همشیر	۱۷۸
انتظارات	۱۸۰
ویژگی‌های همشیر بدون کم‌توانی	۱۸۱
تعاملات همشیر	۱۸۱
سیک‌های استرس و مقابله	۱۸۲
راهنمایی برای کمک به همشیرها	۱۸۴
همشیرها در نقش معلم	۱۸۵
شیوه‌های ایجاد برنامه آموزشی همشیر	۱۸۵
تعاملات اجتماعی	۱۸۶
مشاوره همشیرها	۱۸۷

بخش دوم: کار با خانواده‌های کودکان مبتلا به

کم‌توانی	۱۹۱
----------	-----

فصل ۸: کار با خانواده‌های کودکان	۱۹۳
کم‌توانی مربوط به دوران تولد تا سن ۵ سالگی	۱۹۴
کم‌توانی مربوط به سال‌های دبستان	۱۹۵
مشارکت در تجارب طرح آموزش انفرادی	۱۹۵
کم‌توانی مربوط به سال‌های تحصیلی متوسطه	۱۹۶
کشف وجود یک کم‌توانی	۱۹۶
کم‌توانی‌های منتخب و تأثیر آن‌ها بر خانواده	۱۹۷
مزایای همکاری خانه‌مدرسه: معلمان و خانواده‌ها باهم کار می‌کنند	۲۱۶

فصل ۹: دوران تولد تا ۵ سالگی	۲۱۹
مقدمه	۲۲۰
کودکان از بدو تولد تا سه‌سالگی	۲۲۰
مداخله بهنگام	۲۲۴
بخش C قانون آموزش افراد مبتلا به کم‌توانی	۲۲۴
برنامه خدمات خانوادگی انفرادی	۲۲۶
اعضای تیم چندرشته‌ای	۲۲۶
محتوای برنامه خدمات خانوادگی انفرادی	۲۲۷
پیامدهای مداخله بهنگام	۲۲۹
کودکان ۳ تا ۵ ساله	۲۳۲
کودکان ۳ تا ۵ ساله مبتلا به کم‌توانی	۲۳۳

فصل ۵: متخصصان و نقش آن‌ها	۱۱۷
متخصصان تیم چندرشته‌ای	۱۱۸
فواید همکاری	۱۲۲
روابط بین خانواده و کارکنان	۱۲۳
روابط همکاران	۱۲۵
ایجاد و تداوم همکاری	۱۲۷
ارتباطات بین فردی برای همکاری	۱۲۸
واقعیت انتقادپذیری	۱۲۹
قاطعیت در برابر ارتباط پرخاشگرانه	۱۳۱
حل تعارضات	۱۳۳

فصل ۶: از ارزیابی تا مداخله پژوهش محور:

بررسی اجمالی	۱۴۰
تاریخچه ارزیابی و مشارکت خانواده	۱۴۰
کار با خانواده‌ها برای درک ارزیابی	۱۴۲
اصطلاحات فنی ارزیابی	۱۴۲
ارزیابی در گستره زندگی	۱۴۴
مقیاس‌های ویژه ارزیابی ساختارمند	۱۴۸
انتقال از بخش C به بخش B	۱۴۸
سال‌های متوسطه: ارزیابی انتقال	۱۵۲
ارزیابی تخصصی و ارزیابی مرتبط مبتلا به کم‌توانی	۱۵۵
ارزیابی تخصصی کم‌توانی	۱۵۹
ارزیابی‌های معتبر و جایگزین برای کودکان مبتلا به کم‌توانی	۱۶۲
گزارش ارزیابی	۱۶۴
اتخاذ تصمیمات آموزشی برای مداخله	۱۶۴

فصل ۷: همشیره‌های کودکان مبتلا به کم‌توانی	۱۶۸
رابطه ویژه	۱۶۹
اهمیت همشیرها در جامعه امروزی	۱۶۹
رابطه مادام‌العمر	۱۷۴
پویایی تعامل و الگوهای رابطه	۱۷۴
همشیره‌های کودک و نوجوان	۱۷۵
همشیره‌های بزرگ‌سال	۱۷۷
خلق و خوی	۱۷۷

برنامه‌های پیش‌دبستانی.....	۲۳۴
چالش‌های برنامه‌ریزی پیش‌دبستانی.....	۲۳۴
حمایت از خانواده‌های دارای کودک مبتلا به کم‌توانی در	
سنین تولد تا ۵ سالگی.....	۲۳۶
فصل ۱۰: سال‌های دبستان.....	۲۴۰
ارتباط با خانواده‌ها.....	۲۴۲
گذار به دبستان.....	۲۴۶
فرآیند و سند برنامه آموزش انفرادی.....	۲۶۳
طرح برنامه آموزش انفرادی.....	۲۶۵
کار مشترک- گروه برنامه آموزش انفرادی و الگوی گروه	
مشارکتی.....	۲۷۰
الگوی گروه مشارکتی.....	۲۷۳
فصل ۱۱: سال‌های تحصیلی دوره متوسطه.....	۲۷۷
دوره نوجوانی.....	۲۷۸
اوایل نوجوانی.....	۲۷۹
اواسط نوجوانی.....	۲۸۰
اواخر نوجوانی.....	۲۸۲
نوجوانان مبتلا به کم‌توانی.....	۲۸۲
خانواده‌های دانش‌آموزان نوجوان مبتلا به کم‌توانی.....	۲۸۴
نقش اعضای تیم چند رشته‌ای.....	۲۸۷
مسائلی که توسط تیم‌های چند رشته‌ای در طول سال‌های	
تحصیلی متوسطه مورد توجه قرار می‌گیرد:.....	۲۸۸
نیازهای بالقوه خانواده در سال‌های متوسطه.....	۳۰۲
فصل ۱۲: پس از مدرسه.....	۳۰۶
پیامد پس از مدرسه.....	۳۰۷
پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت پس از مدرسه.....	۳۰۸
سن اکثریت.....	۳۰۹
استحقاق داشتن در مقابل واجد شرایط بودن.....	۳۱۱
درک نگرانی‌ها، شناخت گزینه‌ها، و ایجاد مشارکت.....	۳۱۱
آمار فعلی و روندهای خوش‌بینانه.....	۳۱۲
توسعه شغلی.....	۳۱۳
موقعیت‌های اشتغال.....	۳۱۴
حقوق، انطباق‌سازی و خودافشایی.....	۳۱۶
مزایای فدرال.....	۳۱۷
پرسش‌های متداول خانواده‌ها در مورد مسائل ویژه مربوط به	
اشتغال.....	۳۱۷
راهنماهای مشارکت با خانواده.....	۳۲۱
تحصیلات دانشگاهی.....	۳۲۳
گزینه‌های تحصیلات دانشگاهی.....	۳۲۳
از استحقاق تا واجد شرایط بودن.....	۳۲۴
انطباق‌سازی‌ها.....	۳۲۵
زندگی اجتماعی و مشارکت در دانشگاه.....	۳۲۶
عوامل مالی.....	۳۲۷
راهنماهای مشارکت با خانواده.....	۳۲۹
زندگی مستقل و وابسته.....	۳۳۰
توسعه مهارت‌های زندگی.....	۳۳۰
حمایت ایالت و دولت فدرال.....	۳۳۱
انواع اقامتگاه‌ها.....	۳۳۲
روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی.....	۳۳۴
راهنماهای مشارکت با خانواده.....	۳۴۰
ضمیمه الف: حقوق و قوانین افراد با نیازهای ویژه در	
ایران.....	۳۴۳
حقوق و قوانین افراد با نیازهای ویژه در ایران.....	۳۴۳
منابع.....	۳۶۹
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی.....	۳۹۵
واژه‌نامه فارسی به انگلیسی.....	۳۹۸

مبانی، تعریف و سنجش



تعریف خانواده

تارا اس گوئروئرو
دانشگاه چستر غربی پنسیلوانیا

«چه رازی در اسامی وجود دارد؟ ما گل رز را به هر اسم دیگری بخوانیم باز هم بوی خوبی دارد.»

— ویلیام شکسپیر (در رومئو و ژولیت)

اهداف یادگیری

- هدف از این فصل درک بهتر پیچیدگی‌های ساختار خانواده است. بعد از خواندن این فصل قادر خواهید بود:
۱. شرایط زندگی دوران کودکی را در ارتباط با ساختار والد/ مراقب شناسایی و تعریف کنید.
 ۲. انواع مختلف خانواده را شناسایی و تعریف نمایید و دشواری‌های مربوط به تعریف آن را درک کنید.
 ۳. شرایط ویژه خانوادگی که ممکن است آموزش را تحت تأثیر قرار دهد شناسایی کنید.

چگونه می‌توان خانواده را تعریف کرد؟ در تلاش برای درک بهتر کودکان و نیازهای آموزشی آن‌ها درک مفهوم خانواده بسیار مهم است. شرایط محیطی خانواده‌ها پیچیده است و نخستین گام برای درک شرایط زندگی کودکان، تعریف انواع مختلف خانواده و ساختارهای خانواده و درک اصطلاحاتی همچون **خانواده**، **خانوار** و **اعضای خانواده** است. اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا، خانواده را «گروهی متشکل از دو نفر یا بیشتر (که یکی از آن‌ها سرپرست خانواده است) که بر اساس تولد، ازدواج و فرزندخواندگی با یکدیگر ارتباط دارند و در کنار هم زندگی می‌کنند» تعریف کرده است. «همه افرادی که این ویژگی‌ها را داشته باشند (که شامل دیگر اعضای فرعی خانواده نیز هست) نیز به منزله عضوی از خانواده در نظر گرفته می‌شوند.»

این تعریف رسمی از اصطلاح خانواده است، اما در واقعیت، از منظر کودک یا سیستم آموزش، خانواده چیست؟ خانواده برای هر فرد، معنایی منحصر به فرد دارد. هر کودکی که وارد سیستم مدرسه می‌شود، تجارب خانوادگی متفاوتی دارد و افرادی که با کودک کار می‌کنند، موظف هستند بدانند این تجارب متفاوت چگونه کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نقش خانواده در زندگی و به‌طور ویژه در آموزش و پرورش پیچیده است و برای هر کودک متفاوت است.

برای درک بیشتر پیچیدگی‌های مربوط به خانواده، لازم است تا دیدگاه کودک را در مورد خانواده‌اش به‌طور کامل درک کنیم. آیا کودک همه افرادی را که در خانه زندگی می‌کنند اعضای خانواده خود می‌داند؟ اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا خانوار را به‌صورت زیر تعریف می‌کند:

خانوار توسط سرپرستی اداره می‌شود که عضوی از خانواده است و شامل هر فردی است که در خانه سکونت دارد. اعضای خانوار شامل همه افرادی است که در یک خانه زندگی می‌کنند، درحالی‌که اعضای خانواده صرفاً شامل سرپرست خانواده و بستگان او است.^۱

۱. *توضیح مترجمان:

خانوار واحد آماری است که دارای مشخصات اجتماعی و اقتصادی خاصی است و از افرادی تشکیل می‌شود که در یک «کانون» زندگی می‌کنند. زیر یک سقف می‌خوابند و سر یک سفره و یا میز غذا می‌خورند، اقتصاد مشترک دارند یا ندارند، روابط جنسی دارند یا ندارند. بدین‌جهت شخص مجردی هم که به‌تنهایی زندگی می‌کند، تشکیل خانوار می‌دهد، هرچند که ممکن است خدمتکاری در خانه یا او زندگی کند. از انواع دیگر آن، دانشجویانی هستند که در یک خوابگاه زیر یک سقف زندگی می‌کنند و یا سربازانی که در یک سربازخانه به‌سر می‌برند.

خانواده و شرایط زندگی در ایالات متحده آمریکا در گذر زمان تغییر کرده است. در ایالات متحده آمریکا به سختی می توان در رابطه با یک نوع خانواده یا یک شرایط زندگی صحبت کرد که ارجح باشد (وسپالویس کریدر، ۲۰۱۴، صفحه: ۱)، اما برای سیستم آموزشی لازم است تا تفاوت انواع مختلف خانواده در ارتباط با کودکان و خانواده ها مدنظر قرار گیرد. بر اساس حقوق آموزش خانواده، لایحه حریم خصوصی ۱۹۷۴ (وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا)، قانون حفاظت از حریم خصوصی در رابطه با دسترسی و انتشار نتایج آموزشی و همچنین قانون آموزش افراد مبتلا به کم توانی ۲۰۰۴ در حمایت از آموزش ویژه لازم است تا فردی که «والد» تلقی می شود، کاملاً مشخص باشد، زیرا این تعاریف مشخص می کند که چه کسی به نتایج آموزشی کودک دسترسی داشته باشد و چه کسی تصمیمات آموزشی کاربردی او را اتخاذ کند.

بر اساس حقوق آموزش خانواده «والد دانش آموز می تواند والدین طبیعی یا قیم کودک باشد یا فردی باشد که نقش والد را در غیاب والدین یا مراقبان برعهده دارد.» افزون بر این، حقوق آموزش خانواده بیان می کند که:

یک مؤسسه آموزشی باید طبق قانون، همه حقوق را برای هر یک از والدین در نظر بگیرد مگر اینکه حکم دادگاهی، اساسنامه ایالتی یا سند الزام آور قانونی مربوط به موضوعاتی همچون طلاق، جدایی و حفاظت وجود داشته باشد که به طور ویژه این حقوق را لغو کند. بر اساس قانون آموزش افراد مبتلا به کم توانی (وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۴) والد به معنای زیر است:

- والدین زیستی کودک یا والدینی که او را به فرزندخواندگی پذیرفته اند.
- والدین رضاعی مگر اینکه قانون ایالتی، مقررات، تعهدات و قراردادهای آنها را از عنوان والدین محروم کند.
- یک قیم از نظر قانونی والد کودک است و می تواند تصمیمات آموزشی را برای کودک اتخاذ کند (مگر اینکه منع قانونی وجود داشته باشد).
- فردی که نقش والدین زیستی و والدین رضاعی را داشته باشد (مثل پدر بزرگ، مادر بزرگ، والدین غیرصلبی یا سایر منسوبین) یا فردی که با کودک زندگی می کند و یا فردی که از نظر قانونی مسئول رفاه کودک است.
- والد جانشینی که بر اساس بند ۵۱۹-۳۰۰ یا ۶۳۹ الف ۵ قانون تعیین شده است.

در تفاوت خانواده و خانوار می توان گفت:

خانواده از زن و شوهر و فرزند یا فرزندان تشکیل شده، درحالی که افراد خانوار الزاماً زن و شوهر نیستند. خانواده حداقل از دو نفر که از دو جنس هستند تشکیل می شود، درحالی که خانوار می تواند از یک نفر هم تشکیل شود. اقتصاد خانواده مشترک است، درحالی که ممکن است هزینه اقتصادی خانوار مشترک نباشد و این مهم ترین تفاوت بین خانواده و خانوار است.

در خانواده روابط خویشاوندی وجود دارد، درحالی که این شرط در خانوار ممکن است وجود نداشته باشد و افرادی که باهم زندگی می کنند هیچ گونه رابطه خویشاوندی نداشته باشند.

به هر خانواری می توان خانواده گفت ولی هر خانواده ای را نمی توان خانوار نامید. بنابراین مفهوم خانوار کلی تر از خانواده است و آن را در برمی گیرد. به همین جهت است که در سرشماری از اصطلاح خانوار استفاده می شود.

نقش خانواده در آموزش کودک

شاید برای معلمان عجیب باشد که چرا تا این حد بر شرایط زندگی کودک و یا خانواده تمرکز می‌شود، درحالی‌که این خود کودک است که در سیستم مدرسه آموزش می‌بیند. در واقع تجارب خانوادگی که کودک با خود به مدرسه می‌آورد، سنگ بنای دیدگاه مثبت یا منفی وی به دنیای آموزش است. مشارکت در فرآیند آموزش برای خانواده به‌اندازه کودک مهم است. این مشارکت به‌طور ویژه برای کودکان مبتلا به کم‌توانی بسیار مهم است، زیرا در گروه آموزشی، خانواده نقشی حیاتی جهت اخذ تصمیمات آموزشی برعهده دارد. اگر به‌مقدار کافی به پویایی‌های خانواده پرداخته شود، مشارکت خانواده و به‌دنبال آن آموزش کودک بهبود خواهد یافت. این مسئولیت سیستم مدرسه است تا اطمینان حاصل کند که بدون در نظر گرفتن ساختار خانواده و یا تمایل و توانایی خانواده برای مشارکت در آموزش، هر کودکی فرصت کافی برای رشد و پیشرفت داشته باشد. بوبرین (۲۰۱۳) بیان می‌کند:

«مطالعه درباره مشارکت خانواده در امر آموزش نشان داده‌است که ارتباطی قوی بین مشارکت خانواده و موفقیت دانش‌آموزان در پایه ابتدایی و متوسطه اول وجود دارد. مشارکت خانواده پویایی‌های کلاسی را نیز بهبود می‌دهد و با افزایش انتظارات معلم، روابط بهتر معلم دانش‌آموز و شایستگی فرهنگی بیشتر در ارتباط است. زمانی که والدین با معلمان همکاری می‌کنند و با یادگیری دانش‌آموزان در دنیای واقعی ارتباط برقرار می‌کنند، انگیزش و پیشرفت تحصیلی و میزان فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد» (صفحه: ۳۴۹).

وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا پژوهشی زمینه‌یابی اجرا کرد و آمارهای زیر را در رابطه با ماهیت مشارکت والدین و مشارکت در سیستم مدرسه به‌دست آورده‌است:

- ۸۷٪ از والدین در جلسات اولیا معلمان و یا جلسات عمومی مدرسه شرکت کرده بودند.
- ۷۶٪ از والدین دانش‌آموزان گزارش کرده بودند که به‌صورت منظم در جلسات مدرسه شرکت کرده‌اند.
- ۷۴٪ از والدین دانش‌آموزان گزارش کردند که در رویدادهای کلاسی یا مدرسه شرکت کرده‌اند.
- ۵۸٪ از والدین دانش‌آموزان گزارش کردند که در فعالیت‌های جذب سرمایه برای کمک به مدرسه مشارکت داشته‌اند.
- ۴۲٪ از والدین دانش‌آموزان گزارش کردند که در فعالیت‌های مدرسه داوطلب بوده‌اند یا عضو یکی از کمیته‌ها بوده‌اند.
- ۳۳٪ از والدین دانش‌آموزان گزارش کردند که با مشاور تحصیلی کودک خود ملاقات داشته‌اند.

بررسی‌های بیشتر اطلاعاتی در رابطه با ارتباط مدرسه و والدین فراهم ساخته‌است که به شرح زیر است:

- ۸۷٪ از والدین بیان کردند که اطلاعیه، یادداشت، ایمیل یا آگهی‌هایی برای همه والدین از سمت مدرسه فرزندشان دریافت کرده‌اند.
- ۵۷٪ از والدین دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که یادداشت یا نامه کتبی از مدرسه دریافت کرده‌اند.

که به صورت ویژه برای فرزند آنها نوشته شده است.

- ۴۱٪ درصد از والدین دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که تماس تلفنی از سمت مدرسه داشته‌اند.

افزون‌براین، پژوهش طولی ملی (نیومن، ۲۰۰۵) میزان مشارکت خانواده در خانواده‌هایی با کودکان مبتلا به کم‌توانی در رده سنی ۱۳ تا ۱۷ سال را مورد بررسی قرار داد و میزان مشارکت در مدرسه به غیر از جلسات برنامه آموزش انفرادی به شرح زیر بود:

- ۷۷٪ از والدین دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که در جلسات مدرسه شرکت کرده‌اند.
- ۷۳٪ از والدین دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که در اجلاس‌های اولیا و معلمان شرکت کرده‌اند.
- ۶۲٪ از والدین دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که در رویدادهای مدرسه یا کلاس حضور داشته‌اند.
- ۲۳٪ از والدین دانش‌آموزان بیان کرده‌اند که به صورت داوطلبانه در برخی از برنامه‌های مدرسه شرکت داشته‌اند.
- به طور کلی ۹۳٪ از والدین دانش‌آموزان اعلام کرده‌اند که دست‌کم در یکی از این فعالیت‌های مرتبط با مدرسه شرکت داشته‌اند.

در کنار مدنظر قرار دادن تجارب خانوادگی کودکان، ضروری است تا معلمان در نظر بگیرند که چگونه پویایی‌های خانواده در برنامه درسی و فرهنگ مدرسه درآمیخته است. در زیر چند مثال ارائه شده است: تکلیف شب، جلسات اولیا و معلمان، ملاقات اولیا و معلمان، والدین داوطلب در فعالیت‌های کلاسی یا اردوها، مسئولیت والدین برای تعیین تکالیف، آزمون‌ها، برگه‌های گزینش و پروژه‌های مدرسه یا تکالیفی که ساختار خانواده را نشان می‌دهد (مثل ترسیم شجره‌نامه یا مربع پانت که رنگ چشم را شناسایی می‌کند).

هنگام کار با کودکان مبتلا به کم‌توانی نقش خانواده حیاتی‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. خانواده بخش ابزاری گروه آموزشی را تشکیل می‌دهد که جهت آموزش کودک و توسعه برنامه آموزش انفرادی را تعیین می‌کند. در کنار دیگر شکل‌های مشارکت، خانواده‌ها احتمالاً در مصاحبه‌هایی شرکت خواهند داشت که به مثابه منبعی برای گردآوری اطلاعات، تدوین اهداف آموزشی و تعیین بهترین مسیر آموزشی تلقی خواهند شد. بر اساس قانون آموزش افراد مبتلا به کم‌توانی در سال ۲۰۰۴، هر مؤسسه دولتی باید مراحل را سپری کند تا اطمینان یابد که یکی از والدین کودکان مبتلا به کم‌توانی یا هر دو در جلسات گروه برنامه آموزش انفرادی حضور داشته باشند و یا فرصت مشارکت به آن‌ها داده شود (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۰۴ بخش الف ۳۰۰-۳۲۲). اگر نقش خانواده و ماهیت ساختار خانواده در این موارد یا موارد دیگر توسط معلم یا سیستم مدرسه مدنظر قرار نگیرد، کودکان نمی‌توانند در محیط مدرسه موفق باشند.

شناسایی و تعریف کودکان و خانواده

منبع اصلی تعاریف و داده‌های این فصل از اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا به دست آمده است، زیرا این مؤسسه جامع‌ترین اطلاعات را در روابط یا شرایط زندگی دوران کودکی، خانوار و خانواده‌ها فراهم می‌سازد. اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا گزارش‌های خود

را بر اساس اظهارات صاحبان املاک ثبت می‌کند. سرپرست خانوار

کسی است که خانه به‌نام او خریداری یا اجاره شده‌است. اگر چنین شخصی وجود نداشته باشد، بزرگ‌ترین عضو خانواده، خدمتکار یا کارگر، سرپرست خانوار محسوب می‌شود. اگر خانه به‌صورت اشتراکی توسط زوجی خریداری یا اجاره شده‌باشد، هر یک از آن‌ها سرپرست خانوار محسوب می‌شوند. سرپرست خانوار کسی است که بر اساس او روابط سایر اعضای خانه (در صورت وجود) تعیین می‌شود.

بسیاری از خانواده‌ها چندین فرد بزرگ‌سال دارند، اما فقط یک نفر سرپرست خانوار محسوب می‌شود. روابط کودکان و دیگر اعضای خانوار بر اساس سرپرست خانوار تعیین می‌شود. همچنین در بررسی شرایط زندگی، اطلاعات از منظر یکی از والدین مرجع گردآوری می‌شود. بر اساس اینکه چه کسی به سؤال‌های اداره سرشماری پاسخ دهد، ممکن است داده‌ها متفاوت باشد. برای مثال اگر زوجی سه فرزند داشته باشد که دوتای آن‌ها حاصل ازدواج پدر باشند، مهم است که چه کسی فرم سرشماری را پُر می‌کند. اگر پدر در نقش سرپرست خانوار، سرشماری را تکمیل کند، بیان می‌کند که سه فرزند زیستی دارد. اما اگر مادر به‌عنوان سرپرست خانوار فرم سرشماری را پُر کند بیان می‌کند که دو فرزند ناتنی و یک فرزند زیستی دارد. تفسیر دوره‌های گردآوری‌شده از ساختار خانواده پیچیده است و باید با در نظر گرفتن این پیچیدگی‌ها درک شود. باید بدانیم که بحث‌های زیر در رابطه با شرایط زندگی یا انواع خانواده نشان نمی‌دهد که یک کودک چه عملکردی دارد یا در ساختار خانواده چگونه با او رفتار می‌شود؛ بلکه صرفاً نشان‌دهنده تعاریف بر مبنای روابط میان اعضای خانواده است. همچنین، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی موجود در خانواده را نیز مدنظر قرار نمی‌دهد. به همین دلیل سیستم مدرسه نباید کودکان را بر اساس شرایط خانواده یا نوع خانواده دارای عملکرد مشابه در نظر بگیرند.

شرایط زندگی در دوران کودکی

شرایط زندگی در دوران کودکی بر مبنای روابط والدین و روابط بین والدین و کودکان قرار دارد. در بررسی شرایط زندگی دوران کودکی باید ابتدا اصطلاح فرزندان را تعریف کرد. بر اساس اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا «همه افراد زیر ۱۸ سال به استثنای افرادی که خانواده‌ها یا زیرخانواده‌ها در مقام فرد مرجع یا همسر نگهداری می‌کنند» فرزند محسوب می‌شوند.

کودکان ممکن است چهار نوع شرایط زندگی داشته باشند (لوگین، ۲۰۱۴، صفحه: ۴):

- والدین ازدواج کرده: کودک با هر دو والدین ازدواج کرده زندگی می‌کند و ممکن است فرزند زیستی، فرزند ناتنی یا فرزندخوانده باشد.
- والدین ازدواج نکرده: کودک با هر دو والدین ازدواج نکرده زندگی می‌کند و ممکن است فرزند زیستی، فرزند ناتنی یا فرزندخوانده باشد.

جدول ۱-۱ ■ شرایط زندگی					
کودک با چه کسی زندگی می‌کند؟	تمامی نژادها	سفیدپوستان غیر اسپانیایی تبار	سیاه‌پوستان	آسیایی تبار	اسپانیایی تبار
هر دو والدین	۶۸/۷٪	۷۷/۳٪	۳۹/۰٪	۸۶/۸٪	۶۴/۹٪
هر دو والدین با ازدواج رسمی	۶۴/۴٪	۷۴/۵٪	۳۴/۵٪	۸۴/۶٪	۵۷/۸٪
هر دو والدین بدون ازدواج رسمی	۴/۲٪	۲/۸٪	۴/۵٪	۲/۲٪	۷/۱٪
پدر و مادر زیستی	۶۲/۰٪	۷۰/۴٪	۳۳/۲٪	۸۲/۱٪	۵۸/۵٪
مادر زیستی و ناپدری	۳/۹٪	۴/۰٪	۳/۵٪	۱/۷٪	۴/۳٪
پدر زیستی و نامادری	۱/۲٪	۱/۴٪	۰/۸٪	۰/۷٪	۱/۱٪
مادر زیستی و پدرخوانده	۰/۲٪	۱/۳٪	۰/۱٪	۰/۲٪	۰/۲٪
پدر زیستی و مادرخوانده	۰/۰٪	۰/۰٪	۰/۰٪	۰/۰٪	۰/۰٪
پدرخوانده و مادرخوانده	۰/۹٪	۰/۸٪	۰/۸٪	۲/۱٪	۰/۶٪
ترکیب‌های دیگر	۰/۳٪	۰/۳٪	۰/۴٪	۰/۰٪	۰/۳٪
تک والد	۲۷/۵٪	۱۹/۸٪	۵۴/۹٪	۱۱/۲٪	۳۰/۷٪
صرفاً مادر زیستی	۲۳/۱٪	۱۵/۲٪	۴۹/۸٪	۸/۵٪	۲۷/۰٪
صرفاً مادر غیر زیستی	۰/۵٪	۰/۳٪	۱/۰٪	۱/۱٪	۰/۵٪
صرفاً پدر زیستی	۳/۷٪	۴/۱٪	۴/۰٪	۱/۷٪	۲/۹٪
صرفاً پدر غیر زیستی	۰/۲٪	۰/۲٪	۰/۲٪	۰/۲٪	۰/۲٪
بدون والدین	۳/۸٪	۳/۰٪	۶/۱٪	۲/۰٪	۴/۴٪
پدربزرگ و مادربزرگ	۲/۲٪	۱/۷٪	۳/۷٪	۰/۸٪	۱/۲٪
سایر وابستگان	۰/۹٪	۰/۵٪	۱/۷٪	۰/۸٪	۱/۲٪
صرفاً غیر سایر وابستگان	۰/۶٪	۰/۶٪	۰/۶٪	۰/۳٪	۰/۷٪
چیدمان‌های دیگر	۰/۲٪	۰/۱٪	۰/۱٪	۰/۱٪	۰/۳٪
چیدمان‌های زندگی					
حداقل یک والد زیستی	۹۴/۳٪	۹۵/۴٪	۹۱/۶٪	۹۴/۹٪	۹۴/۰٪
حداقل یک نامادری یا ناپدری	۵/۷٪	۵/۹٪	۵/۲٪	۲/۵٪	۵/۹٪
حداقل یک پدرخوانده یا مادرخوانده	۱/۷٪	۱/۵٪	۱/۶٪	۳/۳٪	۱/۳٪

- تک‌والدی: کودک با یکی از والدین زندگی می‌کند و ممکن است فرزند زیستی، فرزند ناتنی یا فرزندخوانده باشد.
 - بدون والد: کودک در غیاب والدین زیستی یا رضاعی با یک قیم زندگی می‌کند.
- جدول ۱-۱ درصد شرایط زندگی را بر اساس نژاد و قومیت نشان می‌دهد (اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۴).
- شرایط زندگی کودک به شناسایی خانواده و ساختار خانواده کمک می‌کند. در بررسی

شرایط زندگی کودک یا نوع خانواده، معلمان باید وجود همشیر و کودکان دیگر (زیستی، ناتنی، دوقلو، فرزندخوانده یا...) را مدنظر قرار دهند. کودک ممکن است تک‌فرزند باشد، یک همشیر یا چندین همشیر داشته باشد. افزون‌براین، فاصله سنی آن‌ها ممکن است کم یا زیاد باشد. مثال زیر در رابطه با ساختار همشیرها را در نظر بگیرید و شرایطی که می‌تواند کودکان مختلف را تحت تأثیر قرار دهد را در ذهن خود مجسم کنید:

- خانواده‌ای که دو فرزند زیستی و یک فرزندخوانده دارد. پویایی‌های ساختار خانواده برای دو کودک زیستی ممکن است بسیار متفاوت با فرزندخوانده باشد. فرزندخوانده ممکن است به روابط بین همشیرها حساس باشد یا ممکن است هیچ مشکلی با ساختار همشیر نداشته باشد.
- یک خانواده سه فرزند زیستی دارد که دوتای آن‌ها دوقلو هستند و دیگری دوقلو نیست. سه همشیر ممکن است روابط یکسانی داشته باشند و یا فرزندی که دوقلو نیست ممکن است احساس انزوا و جدایی داشته باشد.
- یک خانواده یک فرزند زیستی دختر و پنج فرزند زیستی پسر دارد. فرزندان پسر ممکن است از خواهر خود محافظت کرده و این نکته می‌تواند در نحوه تعامل آن‌ها با دیگر کودکان در محیط کلاس مشهود باشد.
- یک خانواده دو فرزند ناتنی، با اختلاف سنی ۱۳ سال دارد. آن‌ها ممکن است به شدت به یکدیگر نزدیک باشند و یکدیگر را همشیر زیستی بدانند یا اینکه اگر کاملاً زیستی بودند یا تفاوت سنی کمتری داشتند، ارتباط بهتری داشتند.
- خانواده‌ای چهار فرزند دارد و یکی از آن‌ها یک کم‌توانی جدی دارد. خانواده ممکن است به کودک مبتلا به کم‌توانی توجه بیشتری داشته باشد، زیرا او به توجه بیشتر نیاز دارد. همشیرهای دیگر ممکن است یک حس دلسوزی قوی برای او داشته باشند یا از زمان بیشتری که به او اختصاص داده می‌شود، آزرده‌خاطر باشند.

ساختارهای همشیری متعددی می‌تواند در یک خانواده وجود داشته باشد و هر ساختار متفاوت، با مجموعه شرایط محیطی مختلف برای هر کودک همراه است. معلمان باید تأثیر این پویایی‌ها بر کودک و سرانجام بر آموزش او را مدنظر قرار دهند. آگاهی از ساختار همشیری به معلمان کمک می‌کند تا رفتار دانش‌آموزان‌شان را بهتر درک کنند. حضور یا عدم حضور همشیر یا فرزندان دیگر در خانواده تأثیر مهمی بر نقش خانواده و تعاملات آن دارد. این موضوع در مورد کودکان مبتلا به کم‌توانی یا کودکانی که همشیر مبتلا به کم‌توانی دارند، به‌طور ویژه صادق است.

انواع خانواده

کلاسی سی‌نفری را در نظر بگیرید. تجسم کنید که چه تعداد ساختارهای خانوادگی مختلف می‌تواند در یک کلاس واحد وجود داشته باشد. چگونه معلمان می‌توانند اطمینان خاطر یابند

که به درستی به نگرانی هر کودک پرداخته‌اند، درحالی‌که احتمالات زیادی برای ساختار خانواده وجود دارد؟ نخستین گام در درک بهتر «**خانواده**»، توجه به انواع مختلف خانواده‌های موجود، تعریف ساختارهای خانوادگی مختلف و درک این مطلب خواهد بود که کودکان صرفاً بر اساس یک ساختار خانواده شناسایی نمی‌شوند.

در این فصل این نوع خانواده‌ها مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۱. خانواده هسته‌ای سنتی
۲. **خانواده ازدواج‌نکرده (غیرهم‌جنس)**
۳. خانواده گسترده
۴. خانواده تک‌والدی
۵. خانواده آمیخته یا ناتنی
۶. خانواده دارای فرزندخوانده
۷. زیرخانواده
۸. خانواده رضاعی
۹. خانواده با والدین هم‌جنس
۱۰. دیگر گروه‌های خانوادگی (گروه‌های همشیری)

خانواده هسته‌ای سنتی

یک خانواده هسته‌ای سنتی متشکل از زن و شوهر است که در آن یک پدر زیستی و یک مادر زیستی وجود دارد که با یکدیگر ازدواج کرده‌اند. اگر در خانواده هسته‌ای بیش از یک فرزند وجود داشته باشد آن‌ها همشیر تنی هستند. در خانواده هسته‌ای هیچ فرد دیگری به جز والدین و فرزندان با خانواده زندگی نمی‌کند (فلیدز، ۲۰۰۱). در خانواده هسته‌ای، خانواده، خانوار و گروه خانواده هر سه یکی است.

خانواده ازدواج‌نکرده (غیرهم‌جنس)

کودکان ممکن است در خانواده‌ای زندگی کنند که در آن دو والد ازدواج نکرده‌اند. این نوع خانواده‌ها را خانوار یا خانواده ازدواج‌نکرده (غیرهم‌جنس) می‌نامند. زوج ازدواج‌نکرده متشکل از دو بزرگسال غیرهم‌جنس (یکی از آن‌ها سرپرست خانوار است) است که به صورت مشترک در یک خانه زندگی می‌کنند و ممکن است فرزندان‌شان سن کمتر از ۱۵ سال داشته باشند. خانواده ازدواج‌نکرده می‌تواند فقط از دو بزرگسال تشکیل شده باشد.

در **خانواده ازدواج‌نکرده** روابط والدین با کودک یا کودکان می‌تواند به شکل زیستی، ناتنی یا فرزندخواندگی باشد. هرچند بین خانواده ازدواج‌نکرده هسته‌ای تفاوت‌هایی وجود دارد، اما آیا برای کودک فرقی دارد؟ آیا از نظر کودک این خانواده نیز به شکل خانواده هسته‌ای و سنتی دیده می‌شود؟ از نظر سیستم مدرسه ممکن است تمایزی بین این دو خانواده وجود

جدول ۱-۲ ■ اطلاعات جمعیت‌شناختی در رابطه با خانوارهای چندنسلی

خانوارهای چند نسلی	تمامی نژادها	سفیدپوستان غیراسپانیایی تبار	سیاه‌پوستان	آسیایی تبار	اسپانیایی تبار
خانوارهای چندنسلی در ارتباط با تمامی خانوارها	۴/۶٪	۳/۰٪	۸/۳٪	۶/۳٪	۸/۴٪
خانوارهای چند نسلی با فرزندان زیر ۱۸ سال	۳۹/۶٪	۲۹/۴٪	۳۸/۳٪	۵۹/۹٪	۵۲/۸٪
خانوارهای چند نسلی					
پدربزرگ و مادربزرگ سرپرست خانوار هستند	۶۴/۱٪	۷۲/۵٪	۶۸/۱٪	۳۴/۷٪	۵۵/۶٪
والدین سرپرست خانوار هستند	۳۴/۲٪	۲۵/۹٪	۳۰/۷٪	۶۲/۶٪	۴۲/۵٪

نداشته باشد، به جز اینکه در خانواده ازدواج نکرده هیچ کدام از والدین قانونی به شمار نمی آیند.

خانواده گسترده

خانواده گسترده، خانواری است که در آن کودک دست کم با یکی از والدین و دست کم یک فرد دیگر خارج از خانواده زندگی می کند که ممکن است با او نسبتی داشته یا نداشته باشد (فیلدز، ۲۰۰۱). در بسیاری از خانواده ها پدربزرگ، عمو، دایی، عمه، خاله و فرزندان آنها و یا افراد بدون نسبت ممکن است با کودک زندگی کنند. کودکان خانواده گسترده با تجارب متفاوتی نسبت به کودکان دیگر به مدرسه می آیند. دو مورد از مهم ترین مسائل مربوط به این کودکان، مسائل مالی و سلامت است. باید به این نکته توجه کرد که این کودکان ممکن است به افراد دیگری به جز والدین که با آنها زندگی می کنند، به اندازه والدین وابستگی هیجانی داشته باشند. در بررسی موضوعات مربوط به خانواده در محیط مدرسه لازم است به اهمیت این روابط پرداخته شود.

خانواده های چندنسلی

خانواده های متشکل از سه نفر یا بیشتر هستند. این خانواده ها شامل حالت های زیر است:

۱. یک سرپرست خانوار، یک والد یا والد ناتنی سرپرست خانوار و فرزند سرپرست خانوار
۲. یک سرپرست خانوار، فرزند سرپرست خانوار و نوه سرپرست خانوار
۳. یک سرپرست خانوار، یک والد یا والد ناتنی سرپرست خانوار، فرزند سرپرست خانوار و نوه سرپرست خانوار (اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۳)

خانواده تکوالدی

خانواده تکوالدی، خانواده ای است که در آن فقط یکی از والدین در خانه حضور دارد. این والدین می تواند زیستی، ناتنی یا رضاعی باشد. شرایط متعددی وجود دارد که در آن کودک ناچار است با یکی از والدین زندگی کند که در زیر به آن اشاره شده است:

- والد زیستی دیگر ممکن است نامعلوم بوده یا اگر مشخص باشد ممکن است دیگر رابطه‌ای با والد کنونی نداشته باشد.
- فرزند ممکن است از طریق رحم جایگزین، اجاره‌ای یا اهداکننده به دنیا آمده باشد (معلوم یا نامعلوم).
- والد دیگر ممکن است به صورت داوطلبانه خانه را ترک کرده باشد.
- والد دیگر ممکن است به دلیل جدایی یا طلاق خانه را ترک کرده باشد.
- والد دیگر ممکن است به صورت غیر داوطلبانه (برای مثال حبس یا بستری شدن در بیمارستان) خانه را ترک کرده باشد.
- ممکن است یکی از والدین فوت کرده باشد.

یک خانواده تک‌والدی ممکن است به دلیل محدودیت‌های مختلف نتواند به میزان مشابه با سایر والدین در آموزش کودک مشارکت داشته باشد. با وجود اینکه هر خانواده متفاوت است و ممکن است تفاوت‌های کارکردی اندکی بین خانواده‌های تک‌والدی و دووالدی وجود داشته باشد، اما سیستم مدرسه باید این تفاوت‌ها را مدنظر قرار دهد. یک والد تنها ممکن است برای مشارکت در آموزش محدودیت زمانی داشته باشد. برای مثال اگر در خانه دو فرزند وجود داشته باشد و هر دو برای انجام تکالیف و آمادگی آزمون به کمک نیاز داشته باشند، یک والد تنها می‌تواند زمان کمتری را به هر یک اختصاص دهد اما، در یک خانه با دو والد، والدین می‌توانند زمان لازم را بین خود تقسیم کنند. خانواده تک‌والدی اگر درآمد معینی نداشته باشند، ممکن است درگیر مشکلات مالی نیز باشند. این مسئله می‌تواند بر توانایی کودک برای شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه یا اردوها تأثیر گذارد. افزون‌براین، کودک ممکن است برای والد دیگری که در خانه حضور ندارد، احساس فقدان داشته باشد.

خانواده آمیخته یا ناتنی

خانواده آمیخته «زمانی شکل می‌گیرد که ازدواج مجدد رخ دهد یا هنگامی که فرزندان یک خانه، یک والد مشترک داشته باشند. حضور والد ناتنی و همشیر ناتنی موجب شکل‌گیری خانواده آمیخته می‌شود» (فیلدز، ۲۰۰۱، صفحه: ۲).

خانواده ناتنی یک خانواده ازدواج کرده است که دست‌کم یک فرزند زیر ۱۸ سال ناتنی از سرپرست خانوار داشته باشد (از طریق ازدواج نه از طریق تولد، صاحب پسر یا دختری شوند) (اداره سرشماری ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۳).

به طور سنتی، یک فرزند ناتنی، فرزند زیستی همسر فردی است که فرزند زیستی خود فرد به حساب نمی‌آید. هرچند داده‌های جدیدتر نشان داده است که استفاده از این اصطلاح تغییر کرده است و والدینی که هیچ‌گاه ازدواج نکرده‌اند یا فعلاً از ازدواج نکرده‌اند گزارش کردند که با فرزندان ناتنی خود زندگی می‌کنند. اغلب این بزرگسالان با فردی زندگی می‌کنند که والد زیستی فرزند محسوب می‌شود، اما هنوز با او ازدواج نکرده‌اند. از آنجا که در زبان انگلیسی واژه دقیقی برای این نوع روابط وجود ندارد، برخی از پاسخ‌دهندگان تمایل دارند فرزند همسر خود را فرزند ناتنی خود اعلام کنند، حتی اگر با

والدین زیستی فرزند ازدواج نکرده باشد (کریدر و لافکوئیست، ۲۰۱۴).

همان‌طور که در مثال قبلی مطرح شد، باید به‌خاطر داشته باشیم که تخمین در رابطه با تعداد خانواده‌های ناتنی به این بستگی دارد که چه‌کسی به‌عنوان سرپرست خانواده فرم سرشماری را پر کند. افزون‌براین، فرزندان ممکن است عضو بیش از یک خانواده باشند. شرایط زیر را در نظر بگیرید.

باید به‌خاطر داشته باشیم که همانند مثال قبلی تخمین داده‌های سرشماری ده‌سالهٔ جامعهٔ آمریکا نمی‌تواند همهٔ کودکانی که با والدین ناتنی زندگی می‌کنند را شامل شود؛ زیرا این برگه‌های سرشماری فقط نسبت کودک با سرپرست خانوار را می‌پرسد که اگر کودک والد دومی در خانواده داشته باشد، نوع روابط بین آن والد دوم و کودک ممکن است در داده‌ها لحاظ نشود. افزون‌براین، بسیاری از کودکان ممکن است والدین ناتنی داشته باشند که در خانوارهای دیگری زندگی می‌کنند. تا زمانی که برگه‌های سرشماری صرفاً تعیین می‌کند که کدام خانوار در آدرس مربوطه زندگی می‌کند، داده‌ها نمی‌تواند روابط متقاطع بین خانوارها را مشخص کند. همچنین یک هم‌پوشانی بین کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند و آن‌هایی که ناتنی هستند، وجود دارد؛ زیرا ممکن است برخی فرزندان تنی توسط والدین ناتنی به فرزندخواندگی پذیرفته شوند (کریدر و لوف‌کوئیست، ۲۰۱۴).

سیستم مدرسه باید به قوانین مربوط به والدین ناتنی اشراف داشته باشد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد بر اساس قانون **حقوق خانواده و قانون آموزش افراد مبتلا به کم‌توانی**، والدین ناتنی در صورت اخذ مجوز قانونی، قیم رسمی کودک محسوب می‌شوند.

خانوادهٔ دارای فرزندخوانده

خانوادهٔ دارای فرزندخوانده، خانواده‌ای است که در آن یک یا چند فرزند توسط یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌است. بر اساس ادارهٔ سرشماری ایالات متحدهٔ آمریکا فرزندخواندگی انواع مختلفی دارد که شامل فرزندخواندگی کودکان با ارتباط زیستی و غیرزیستی، فرزندخواندگی فرزندان ناتنی و فرزندخواندگی از طریق سازمان‌های خصوصی و دولتی، فرزندخواندگی داخلی و بین‌المللی و فرزندخواندگی مستقل و غیررسمی است (کریدر و لافکوئیست، ۲۰۱۴). از آنجا که اطلاعات جمع‌آوری شده توسط ادارهٔ سرشماری ایالات متحدهٔ آمریکا به‌شکل خودگزارشی است، میزان اشارهٔ ویژهٔ فرزندخواندگی به فرزندخواندگی قانونی یا غیررسمی چندان مشخص نیست (کریدر و لافکوئیست، ۲۰۱۴، صفحه: ۳).

در بررسی نیازهای آموزشی کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده‌اند باید به این نکته توجه داشت که آیا کودک والدین زیستی خود را می‌شناسد یا خیر. در روش‌های قبلی برای گنجاندن مفهوم خانواده در برنامهٔ درسی، تکالیف یا پروژه‌های ویژه‌ای مثل تکلیف مربع پانت در رابطه با رنگ چشم یا ترسیم شجره‌نامه ممکن است برای کودکی که توارث خود را نمی‌داند بسیار دشوار یا ناراحت‌کننده باشد. دقت و نکته‌سنجی در این موارد بسیار مهم است.

مطالعه موردی ۱

یک کودک در خانواده دارای فرزندخوانده

جوزف پسری ۱۴ ساله است که به تازگی وارد پایه تحصیلی نهم شده است. او از زمان تولد توسط پدر و مادر رضاعی اش به فرزندخواندگی گرفته شده است. او همواره می دانسته که به فرزندخواندگی پذیرفته شده است و همیشه این فرصت را داشته که به راحتی در این باره با خانواده اش صحبت کند. فرزندخواندگی او از نوع بسته بود. یعنی به والدینی که او را به فرزندخواندگی پذیرفته بودند، اطلاعاتی در رابطه با والدین زیستی او داده نشده بود.

جوزف برادری ۸ ساله دارد که فرزند زیستی والدین رضاعی او است. جوزف رابطه بسیار صمیمانه ای با برادر و پدر و مادرش دارد و گزارش کرده است که بابت داشتن چنین خانواده خوبی احساس خوشبختی می کند. در سال گذشته جوزف نشانه هایی از احساس غم داشته و در کلاس زیست برون ریزی های هیجانی داشته است. در ابتدای سال تحصیلی هر دانش آموز شجره نامه را تکمیل می کرده و به کلاس ارائه می داده است. جوزف، بر اساس اطلاعات خانواده هایی که به فرزندخواندگی پذیرفته شده بود، شجره نامه را تکمیل کرده بود و از معلم پرسیده بود که چون فرزندخوانده است در کجای شجره نامه باید نام خود را بنویسد.

به تازگی یک واحد درسی ژنتیک ارائه شده است و از ابتدای آن جوزف به شدت منزوی و گوشه گیر شده است. دانش آموزان در حال آموختن ژن های غالب و مغلوب و نقش آن ها در رنگ مو و چشم هستند و یاد می گیرند که چگونه مربع پانت را بر اساس رنگ چشم اعضای خانواده تکمیل کنند. از دانش آموزان خواسته شده تا با خانواده مصاحبه کرده و بدانند که بر اساس الگوی توارثی موجود در خانواده و خانواده گسترده چرا این رنگ چشم را دارند. جوزف از رفتن به کلاس و شرکت در فعالیت خودداری می کند و در رابطه با زیست شناسی جوک می سازد و می گوید که اساساً نباید درس زیست شناسی وجود داشته باشد، زیرا اغلب مردم آن را دوست ندارند و از آن چیزی یاد نمی گیرند.

در مقام یک معلم چه نگرانی هایی در رابطه با جوزف و موقعیت او دارید؟ چگونه معلمی می تواند به چنین موقعیتی حساسیت و دقت نظر داشته باشد و محتوا و تکالیف را برای او انطباق سازی کند؟

مطالعه موردی ۱، مثالی از این نوع تکالیف دشوار برای این دسته از کودکان ارائه می کند.

زیرخانواده

بر اساس اداره سرشماری آمریکا، **زیرخانواده** شامل یک زوج با یا بدون فرزند، یا یک والد تنها با یک یا چند فرزند مجرد زیر ۱۸ سال است. زیرخانواده دارای سرپرست خانوار مشخصی نیست و در خانه فرد دیگری زندگی می کند.

زیرخانواده می تواند با سرپرست خانوار نسبت فامیلی داشته یا نداشته باشد:

- «زیرخانواده ای با نسبت فامیلی، یک زوج با یا بدون فرزند یا یک والد تنها با یک یا چند فرزند مجرد زیر ۱۸ سال است که با سرپرست خانوار نسبت فامیلی دارد، اما جزء خانواده به شمار نمی رود. مثالی از زیرخانواده، زوج جوانی است که با والدین دختر یا پسر زندگی می کند. تعداد زیرخانواده های دارای نسبت فامیلی در شمار خانواده ها به حساب نمی آید.»
- «یک زیرخانواده بدون نسبت فامیلی، یک زوج با یا بدون فرزند یا یک والد تنها

با یک یا چند فرزند مجرد زیر ۱۸ سال است که با سرپرست خانوار نسبت فامیلی ندارد. این نوع خانواده می‌تواند شامل افرادی چون مهمان، هم‌اتاقی، شریک کاری، کارگران ساکن و همه فرزندان آنان باشد. این افراد جزء افراد ساکن در خانوار محسوب می‌شوند اما جزء اعضای خانواده به حساب نمی‌آیند.»

بر اساس پویایی‌های موجود بین زیرخانواده و سرپرست خانوار، ممکن است کودکان زیرخانواده احساس کاملاً راحتی در خانه داشته باشند و این شرایط هیچ تأثیر واقعی بر زندگی یا آموزش آن‌ها نداشته باشد. متقابلاً ممکن است احساس کنند آن‌ها در این خانواده صرفاً مهمان هستند و آنجا خانه واقعی آن‌ها نیست. استفاده از پیشوند «زیر» ممکن است دربردارنده این دلالت ضمنی باشد که خانواده کودک به اندازه سرپرست خانوار مهم نیست. بر همین اساس معلمان باید به کودکانی که در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کنند توجه لازم را داشته باشند، زیرا احساس عدم امنیت روانی در رابطه با ساختار خانواده می‌تواند بر عملکرد تحصیلی آنان تأثیر منفی داشته باشد.

خانواده رضاعی

خانواده رضاعی خانواده‌ای است که در آن یک فرزند رضاعی وجود دارد.

یک فرزند رضاعی فردی با سن کمتر از ۲۱ سال است که توسط دولت به یک خانوار سپرده شده است تا مراقبت والدین را دریافت کند. فرزند رضاعی ممکن است برای یک بازه زمانی کوتاه یا چندین ساله در خانواده زندگی کند. فرزندان رضاعی با سرپرست خانوار نسبت فامیلی ندارند. اگر نسبت فامیلی وجود داشته باشد، فرزند رضاعی در طبقه خویشاوندان ویژه قرار می‌گیرد (اداره سرشماری ایالت متحده آمریکا، ۲۰۱۳، صفحه: ۷۷).

معلمان باید به فرزندان رضاعی توجه ویژه‌ای داشته باشند، زیرا شرایط زندگی آن‌ها آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این احتمال وجود دارد که یک فرزند رضاعی به صورت مکرر سرپرست خود و مدرسه‌اش را تغییر دهد، بنابراین پیوستگی آموزش کاهش می‌یابد. راه‌های متعددی وجود دارد که معلم می‌تواند به این کودکان کمک کند. برای مثال معلم می‌تواند به صورت غیررسمی مهارت‌های تحصیلی کودک را ارزیابی کند و در مورد یادگیری کودک با او صحبت کند. همچنین معلم می‌تواند با ایجاد یک شبکه اجتماعی برای کودک، تعاملات اجتماعی او با دیگر کودکان را تسهیل کند. هم‌زمان با وقوع تغییر در شرایط زندگی، تضمین مشارکت والدین برای کودکان مبتلا به کم‌توانی به مراتب دشوارتر است. برای مثال ممکن است جلسات برنامه آموزش انفرادی با والدین رضاعی مرتب برگزار شده باشند و سپس شرایط و محل زندگی کودک عوض می‌شوند و بنابراین لازم است، زمان و تاریخ جلسات با والدین رضاعی جدید تنظیم شود.

دیگر گروه‌های خانواده

انواع دیگری از خانواده‌ها ممکن است وجود داشته باشد که در هیچ‌کدام از طبقات توصیفی قبلی قرار نگیرد. یک مثال می‌تواند زمانی باشد که همشیر نقش والدین را ایفا می‌کند. مثال‌های بسیار متفاوت دیگری می‌تواند وجود داشته باشد و لازم است پیچیدگی‌های این خانواده‌ها نیز مدنظر قرار گیرد.

شرایط منحصربه‌فرد خانوادگی که می‌تواند آموزش را تحت تأثیر قرار دهد

کودکان ممکن است در کنار ساختار خانواده با شرایط منحصربه‌فرد دیگری نیز روبه‌رو باشند که به زندگی خانوادگی آن‌ها مربوط است. این شرایط ممکن است با ساختار خانواده درهم‌تنیده باشند مثل جدایی یا طلاق یا اینکه ممکن است در حوزه‌ای خارج از ساختار خانواده باشند و به شرایط خانوادگی ویژه‌ای مربوط باشد. این شرایط منحصربه‌فرد در زیر توضیح داده خواهند شد.

- جدایی یا طلاق والدین
- بی‌خانمانی
- والدین مبتلا به کم‌توانی
- والدین نوجوان
- خانواده‌های مهاجر
- خانواده‌های اتباع خارجی
- خانواده‌های نظامی

جدایی یا طلاق والدین

والدین بسیاری از کودکان از یکدیگر جدا شده‌اند یا به‌صورت رسمی طلاق گرفته‌اند. در این موارد کودک خود را به‌منزله‌ عضو از دو خانواده مجزا می‌بیند (دو خانواده می‌تواند یکی از موارد انواع خانواده باشد که پیش‌تر توضیح دادیم). هنگام کار کردن با کودکانی که والدین‌شان جدا شده‌اند یا طلاق گرفته‌اند باید به موارد زیر توجه کرد:

- گمان نکنید که پدر یا مادر سرپرست اصلی کودک است. دادگاه دو نوع حضانت تعیین می‌کند:
 - حضانت فیزیکی و حضانت قانونی
 - حضانت فیزیکی محل زندگی کودک را تعیین می‌کند.

- حضانت قانونی به تصمیمات اتخاذشده توسط والدین مربوط است، مثل تصمیم‌گیری آموزشی